

انواع انسانی نزد ملاصدرا و فیض کاشانی

عبداله صلواتی^۱

چکیده

ملاصدرا بر پایه‌ی رهیافت وجودی، انسان را وجودی در حال تحول به دو حرکت وجودی اضطراری و حرکت وجودی ارادی می‌داند که ایستایی و حد یقف ندارد؛ ازاینرو در حکمت متعالیه با آغاز تبدل وجودی، وحدت نوعی متواطی انسان جای خود را به تفاوت تفاضلی یا تباینی انسان می‌دهد و انواع و مراتب متفاوت انسانی شکل می‌گیرد. در عقیده ملاصدرا، انسان‌های که در آغاز برخوردار از وحدت نوعی هستند به انواعی از مخلوقات چون ملک، شیطان، سُبُع و بهیمه تبدیل می‌شوند و به تعبیری انسان‌ها به حسب دنیا نوع واحد هستند، اما به لحاظ باطن و آخرت، انواع متعدد انسانی را رقم می‌زنند که می‌توان بر اساس اقوال ملاصدرا، مدل‌های مختلفی از انواع انسانی ارائه کرد. فیض کاشانی نیز با رویکرد جدی‌تر به آیات و روایات، توانسته فلسفه ملاصدرا را طرح انواع انسانی توسعه دهد. فیض کاشانی در اکثر اقوالش مشی روایی را مقدم بر نگاه فلسفی می‌دارد و بر اساس آن، در مباحث فلسفی و عرفانی خویش، درصدد تبیین دلالت‌های پنهان فلسفی و عرفانی روایات و آیات برمی‌آید. در این جستار از انواع انسانی نزد ملاصدرا و فیض کاشانی بحث می‌شود. همچنین، مدل‌هایی بر اساس مبانی حکمت متعالیه طراحی می‌شود تا برپایه آنها بتوان انواع انسانی را نزد دو فیلسوف یاد شده تحلیل و تبیین نمود.

واژگان کلیدی: کثرت نوعی انسان، حرکت وجودی اضطراری و ارادی، ملاصدرا، فیض کاشانی.